

نامه سرگشاده به وزیر امور خارجی آلمان و نخست وزیر ایالت راینلند فالز

نامه سرگشاده زیر به وزیر امور خارجی آلمان آقای هیکوماس و نخست وزیر ایالت راینلند فالز و رئیس سراسری حزب سوسیال دمکرات در آلمان خانم مالو دریر ارسال گردیده و از این مسئولین خواسته شده که در مقابل عملکردهای رژیم جمهوری اسلامی ایران نسبت به مبارزات مشروع مردم ایران سکوت نکنند.

سرکار وزیر محترم وزارت خارجی آقای هیکوماس

سرکار خانم محترم مالو دریر رئیس حزب سوسیال دمکرات آلمان

مطمئناً آگاهید که چگونه بسیاری از مردم در اعتراضات، مستقیماً توسط ارگان های امنیتی ایران گلوله باران گشته اند.

آمار کشته شده گان خود گویای همه چیز است. مطمئناً شما میدانید که تا کنون چه تعداد دستگیر گشته اند. بیش از هزار نفر تا کنون دستگیر شده اند و همواره دستگیری ها ادامه دارد. مطمئناً آگاهید که چه تعداد انسان توسط عملیات مسلحانه رژیم ایران سخت مجروح گشته اند.

مدارک نشان می دهند که رژیم ایران با خشونت انسانی را که برای حقوق مشروع شان به خیابان آمده اند سرکوب نموده است و می نماید.

بالا رفتن قیمت بنزین دلیلی بود که میلیون ها انسان در تمامی کشور به خیابان بیایند و سیستم را در تمامیتش زیر سؤال ببرند و بسیار گویا نشان دهند که آنها دیگر حاضر نیستند در این سیستم زندگی کنند.

خواسته ها و شعار های مردم در روزهای گذشته نشان دادند که مردم از این رژیم بستوه آمده اند و دیگر این سیستم را نمی خواهند.

رژیم ایران تلاش می کند با تهدید و ایجاد ترس و فشار و سرکوب هر

فریادی برای دمکراسی را در سینه ها خفه کند. متاسفانه میبینیم که دولت آلمان و اتحادیه اروپا تا کنون با وجود دلایل و شرایط کاملا روشن در مقابل این عملیات گسترده رژیم علیه مردم ایران هیچ عکس العملی نشان نداده است.

تنها همواره از سوی آنان اشاراتی گمراه کننده بیان می شود. مردم ایران برای دست یافتن به مطالبات قانونی و مشروعشان نیاز به پشتیبانی و همبستگی دارند. این مسئله زمانی ممکن خواهد بود که جامعه جهانی و از همه مهمتر کشورهای اروپایی به صراحت با این رویه رژیم ایران مخالفت نمایند.

اما میبینیم که متاسفانه تا کنون چنین نبوده است.

اعتراضات در منطقه خاورمیانه بر علیه جمهوری اسلامی بسیار گسترده است و در حال حاضر انسانها در عراق و لبنان به خیابان ها گسیل شده اند تا به دخالت های ایران در امور داخلی کشورشان اعتراض نمایند.

در حال حاضر باز هم مردم این منطقه قربانی می شوند ولی متاسفانه موضع مشخصی از سوی اروپا در مقابل دخالت های رژیم ایران وجود ندارد. ما نظرات شما را خوانده ایم اما متاسفانه کافی نیست.

مردم ایران حافظه خوبی دارند. آنها بارها برخاسته اند و اعتراض نموده اند و در این اعتراضات قانونی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و در نهایت قتل عام گشته اند.

جامعه جهانی از جمله جمهوری فدرال آلمان از این وقایع و اخبار تا کنونی کاملا مطلع است اما تا کنون هیچ حرکتی در مقابل آن انجام نداده است.

در حال حاضر اعتراضات داخلی و بین المللی علیه نظام جمهوری اسلامی در ایران و برای آزادی و دمکراسی و طرد کلیت نظام ادامه دارد.

اکنون زمان آن رسیده است که با یک سیاست قابل لمس به رژیم جمهوری اسلامی ایران فشار آورد تا دست از سرکوب و کشتار مردم ایران در اعتراضات مسالمت آمیزشان بردارد.

اکنون بسیاری از مردم ایران در سوگ قربانیان اعتراضات کنونی نشسته اند و متاسفانه هیچگونه امکانی برای علنی کردن این سوگواری در مجامع و رسانه ها و افکار عمومی ندارند.

خانم و آقای محترم وزیر

شما شاهد بودید که رژیم ایران با بستن اینترنت قصد داشت سرکوب ترسناک و گسترده نظامی بر علیه مردم ایران را از افکار عمومی جهان مخفی نماید.

چه مدت دیگر قصد دارید بجای پشتیبانی از مردم تهیدست ایران و حمایت از اعتراضات آنان، این شرایط و وضعیت را تحمل نمایید.

هیچ چیزی نمی تواند این عملکرد رژیم ایران را مشروع نماید. این رویکرد رژیم ایران با منشور جهانی حقوق بشر به هیچ وجه سازگار نیست.

لذا ما از شما درخواست می کنیم که دست بکار شوید و از دولت ایران بخواهید که فوراً تمامی افرادی را که بدلیل عقاید و خواسته های قانونی شان بپا خواسته اند و دستگیر شده اند، را آزاد نماید.

ما از دولت فدرال آلمان و اتحادیه اروپا می خواهیم که آشکارا و علنی رویکرد رژیم جمهوری اسلامی ایران را محکوم نمایند و از رژیم بخواهند تا دست از اقدامات وحشیانه بر علیه مردم ایران بردارد.

باید یک هیئت مستقل به ایران برود و از اوضاع ایران به ویژه زندانها دیدن نماید و نتیجه گیری قاطع نماید.

اقدامات مشخص بر علیه جمهوری اسلامی ایران ضروریست.

دولت فدرال آلمان تاریخاً بهترین روابط تجاری و اقتصادی را با ایران داشته است و با خدشه دار کردن گسترده حقوق بشر توسط رژیم جمهوری اسلامی، مردم ایران نباید قربانی این مناسبات تجاری و اقتصادی شوند.

ما از دولت فدرال آلمان می خواهیم که خواسته های مردم ایران را برای رسیدن به دمکراسی و آزادی درک نمایند و از آن پشتیبانی کنند.

ما از شما درخواست می کنیم تا به زودی قرار ملاقاتی بگذارید تا در مورد جزئیات با هم بیشتر صحبت کنیم.

بخشی از فعالین شهر ماینس

Demokratische Forum der Iraner

C/0 Initiativausschuss für Migrationspolitik in RLP

Albert-Schweitzer-Str 113-115

Mainz 55128

**11 دسامبر : گردهمایی بزرگ
ایرانیان اروپا
در برابر پارلمان اروپا -
بروکسل**

ملت ایران دیگر طاقت تحمل حکومت اسلامی را ندارد

خیزش آبانماه شبیه قیامی بود که در جریان گرانی قیمت بنزین، با شعارهای براندازانه نسل جوان شعله ور شد و نشان داد که مردم ایران خواهان سرنگونی نظام ضد انسانی و ضد ملی جمهوری اسلامی هستند.

مردم زیر بار ستم سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و افزایش سرسام آور قیمتها، کار به استخوان شان رسیده به اعتراض برخاستند و به هنگام سرکوب جنایتکارانه رژیم، از خود دفاع کردند. اکنون هزاران معترض در زندان اسیر هستند. آنها زیر شکنجه های وحشیانه قرار دارند و خطر اعدام آنها را تهدید می کند.

ما صدای آزادیخواهان مردمی هستیم که علیه حکومت اسلامی بپا خاستند و برآنیم تا پیام آنها را به آگاهی جامعه اروپا، پارلمان اروپا و جهات بین برسانیم.

در ایران ما، چهل سال نظام تبعیض، آپارتاید جنسی، غارت، استبداد، سرکوب، شکنجه و اعدام حاکم بوده و حکومت اسلامی بطور سیستماتیک مرتکب جنایت در ایران و منطقه شده است. ایرانیان حکومت اسلامی را دیگر تحمل نمی کنند و ما نیز خواست سیاسی مردم را خواست خود می دانیم و انتظارات ما را از اتحادیه اروپا، مردم اروپا و جهات بین به شرح زیر اعلام می داریم:

1- توقیف اموال مسئولین حکومتی، نمایندگان مجلس، نهادهای اطلاعاتی، امنیتی، نظامی و شبکه های مافیایی پیرامونی آنها

2- اعزام نمایندگان ویژه اتحادیه اروپا و سازمان ملل برای دیدار با زندانیان و خانواده جانبازان خیزش خودجوش مردمی آبانماه

3- حمایت از مبارزات ملت ایران برای رهایی از اسارت حکومت و دستیابی به حق حاکمیت بر سرنوشت خویش

4- حمایت از نهادها و سازمانهای مدنی در جهت استقرار ارزش انسانی و حقوق بشر

ما با تاکید به شرایط حساس میهنمان و ضرورت تام همبستگی ملی، دمکراتیک و آزادیخواهانه مردم، کنشگران سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، از نهادها و فعالین سیاسی و مدنی دموکرات و ملی درخواست داریم که با حضور در همایش 11 دسامبر مقابل پارلمان اروپا، با مبارزات آزادیخواهانه مردم اعلام همبستگی کرده و در عین حال، صلاحیت سیاسی و حقوقی جمهوری اسلامی برای نمایندگی ملت ایران را بی اعتبار کنیم.

هماهنگی ایرانیان - اروپا

برای پشتیبانی از قیام مردم ایران

<http://nedayeazady.org/wp-content/uploads/2019/12/VIDEO-2019-12-04-09-15-35.mp4>

همبستگی مردم لبنان و غزه با

خیزش اجتماعی در ایران

این روحیه همبستگی کجا و شعار نفرت انگیز "نه غزه، نه لبنان...
جانم فدای ایران..." کجا

حماد شبانی



این روزها در تجمعات مردمی لبنان و عراق، پلاکاردها و شعارهایی در حمایت از جنبش ستم دیدگان و توده های بپاخاسته ایران مکرراً شنیده و دیده میشود. بسیاری از تحلیلگران سیاسی که هم‌رأی با مردم هستند، در رسانه ها بر پیوند پایه ای و انترناسیونالیستی با جنبش ایران تأکید می‌ورزند. آنها به مردم خود ضرورت فاصله گذاری در شعارها در رابطه با (مردم ایران) و جمهوری اسلامی ایران را تذکر می‌دهند. این روحیه همبستگی کجا و شعار نفرت انگیز: "نه غزه، نه لبنان... جانم فدای ایران..." کجا. روحیه ای در تضاد کامل با سیاست‌های توسعه طلبانه رژیم، که باعث تفرقه و جدایی بین مردمان منطقه شده است.

روزنامه لبنانی "الانباء" ارگان مرکزی حزب سوسیالیست پیشرو (طایفه دورزی - ولید جنبلات مخالف کنونی ائتلاف حاکم) نوشته ای را به نقل از روزنامه "المانیتور" درباره تأثیر تظاهرات مردم ایران در سیاست خارجی حکومت اسلامی در ایران منتشر کرد. نویسندگان این مقاله حمیدرضا عزیززی، استادیار مطالعات منطقه ای در دانشگاه "شهید بهشتی" و عضو شورای علمی پژوهشگاه اوراسیا و مطالعات ایران در تهران، است.

نویسنده در ابتدای مقاله خود از تصمیم تهران مبنی بر افزایش قیمت بنزین، که موج اعتراضاتی قوی و تقریباً سراسری را در ایران برانگیخت، صحبت می‌کند. او ادعا می‌کند که اگرچه دولت ایران توانست جنبشهای مردمی را (جمع کند)، اما هم اکنون بحثهای زیادی درباره این جنبش همچنان مطرح است و بحثها موضوعاتی از قبیل علل بروز اعتراضات تا نتایج آن با توجه به تأثیر احتمالی در سیاست خارجی ایران را در بر می‌گیرد، به عنوان مثال، این که، دولت آمریکا معتقد است که آنچه در ایران رخ داده اثبات این مدعاست که

کارزار فشار شدید دونالد ترامپ بخوبی کار می کند و مردم ایران را در برابر سیستم سیاسی حاکم قرار داده است.

نویسنده الانباء ادامه م یدهد:

نمایند و ویتنام ایالات متحده در امور ایران "برایان هاوک" نیز ضمن ابراز خوشحالی کشورش از اعتراضات در ایران تأکید کرد که حداکثر فشار ادامه خواهد یافت. ترامپ و "مایک پومپئو" وزیر امور خارج آمریکا نیز دربار این تظاهرات اظهار نظر کرده اند.

اتحادیه اروپا از دولت ایران خواسته است که "در برخورد با اعتراضات" حداکثر خویشتن داری را رعایت کند، در حالی که آلمان و فرانسه از اوضاع ایران بشدت ابراز نگرانی کرده اند. در پاسخ به این اظهارات، عباس موسوی سخنگوی وزارت امور خارج ایران، تحادیه اروپا را به مداخله در امور داخلی ایران متهم کرد و تعهدات اروپا در توافق هسته ای (!؟) را به آنها یادآور شد.

نویسنده (حمیدرضا عزیزی) مدعی است "حمایت از تظاهرکنندگان این روایت حکومت اسلامی ایران را برجسته می کند که هدف واقعی ایالات متحده از طریق کمپین فشار این نیست که ایران را به سمت میز مذاکره سوق دهد بلکه انگیزه اش "تغییر رژیم" در ایران است، بنابراین هیچ شکلی از تعامل دیپلماتیک با آمریکا به ثمر نخواهد رسید. به قول حمید رضا عزیزی، ایران به اجرای سیاست "مقاومت (کذا) حداکثر" ادامه خواهد داد.

مقاله ادامه چنین می دهد که از سوی دیگر، احمد خاتمی، عضو مجلس خبرگان، اظهار داشت که فرانسه و آلمان، ایالات متحده را در مواضع مربوط به اعتراضات (مردمی) همراهی می کنند. به گفت آقای عزیزی، اعتراضات اخیر بر سیاست منطقه ای ایران نیز بازتاب خواهد داشت، بویژه به موازات ادامه اعتراضات در عراق و لبنان، جایی که ایران معتقد است برخی قدرتهای خارجی سعی در تضعیف ایران و متحدان منطقه ای آن دارند.

حمید رضا عزیزی، در نوشت خود به این نتیجه رسیده است که تظاهرات اخیر می تواند منجر به تحکیم روابط ایران با روسیه شود و گویی از زبان سخنگوی دولت اسلامی حاکم بر ایران، تهدیدها صادر می کند و می گوید شرایط کنونی مواضع ایران در قبال غرب و رقبای منطقه ای آن را تحت تأثیر قرار خواهد داد و روابط آن را با شرکای فعلی خود تقویت خواهد کرد.

وقایع اخیر لبنان (تلاشهای دو سه روز گذشته) بسیجیهای امل و حزب الله که بارها در جای جای این کشور دست به آشوبهای جنون آمیز زده اند) و نیز جنبش مردمی در عراق - که دولت ایران در هر دو مورد حامی کاربرد خشونت‌های مرگبار علیه نیروهای انقلابی و معترضین خیابانی شده است - دخالت جمهوری اسلامی را در پیگیری سیاستهای آن مبتنی بر تشنج آفرینی و دخالت توسعه طلبانه، با اتکاء به روابطش با روسیه، آشکار می کند و چهره واقعی آنرا در جنگ نیابتی جاری در منطقه، میان طرفهای امپریالیستی و ارتجاعی و به زیان خلقهای مبارز و به جان آمدن خاورمیانه را، روشنتر می کند.

در برابر این مواضع دشمنانه، این روزها در تجمعات مردمی لبنان و عراق پلاکاردها و شعارهایی در حمایت از جنبش ستم دیدگان و توده های بپاخاسته ایران شنیده و دیده می شود. بسیاری از تحلیلگران هم‌رای با مردم در رسانه ها به پیوند پایه ای و انترناسیونالیستی با جنبش ایران تأکید می ورزند. آنها به مردم خود ضرورت فاصله گذاری در شعارها در رابطه با (مردم ایران) و رژیم جمهوری اسلامی در ایران را تذکر می دهند.

مسئولیت ما و این همه خبر!

حماد شیبانی

این روزها همزمان با اعتراضات گسترده مردم، فیلمهای متعددی در رابطه با آتش زدن و تخریب مراکز مختلف حکومتی و بانکها، پمپ بنزینها، فروشگاهها و حتی خودروهای شخصی مردم عادی، در سطح وسیعی منتشر شده است.



تاکنون هیچ گروه یا شخصی از میان شرکت کنندگان در درگیریهای اخیر ایران مسئولیت این وقایع را برعهده نگرفته است. تنها در یک مورد آنهم به دلیل حضور دزدان نیروهای امنیتی در پوشش اورژانس و

با استفاده از یک یا چند آمبولانس برای دستگیر کردن معترضین بویژه زخمیها از سوی مردم شناسائی شده و به آتش کشیده شده است.

برعکس در مواردی دیده و گزارش شده که گروههایی پرشمار از عناصر کاملاً مجهز به وسایل تخریت با صورتهای پوشیده و لباسهای متحدالشکل و رزمی با اتومبیل یا سوار بر موتورهای همشکل، ناگهان در یک محل ظاهر می شوند و بصورت کماندوئی "عملیات تخریبی" انجام می دهند و ناپدید می شوند. رژیم و باندهای رسمی و غیررسمی آن (بسیج و پاسداران) و سازمانهای امنیتی دولتی در ایجاد اقدامات تشنج آفرین حتی در ایجاد آشوبهای خیابانی و نفوذ در تظاهرات اعتراضی مردم و شورشهای برحق آنان، ید طولائی دارد. دستگاه سرکوب در جلوگیری از تعمیق جنبشهای مدنی و مطالباتی و صنفی جامعه و راندن موج ستمدیدگان بسوی اقدامات کور به منظور تسهیل سرکوب و توجیه سیاستهای قهرآمیز خود مهارت دارد. دستگیریهای خشونتبار و اعدامهای گروهی (در چارچوب شوک درمانی و استفاده از تجربیات مشترک هم) جناحهای حکومتی، درج مطالب فرمایشی و تحریفی در رسانه های زرد داخلی و خارجی مشاطه گر) از مهارتهای دیگر این حکومت است.

امروزه خیابانهای شهرهای ایران آبدستن خیزشها و اعتراضهای جدید است. انبوه میلیونی شهروندان اعم از کارگران، زنان، جوانان، خیل عظیم بیکاران، بازنشستگان، کشاورزان، دانشجویان، معلمان و استادان، نویسندگان، هنرمندان و روزنامه نگاران، و سایر گروههای اجتماعی به شمول ملیتهای مختلف و باورمندان به مذاهب و اندیشه های غیرحکومتی، از زندگی تحت سلطه این حاکمیت به تنگ آمده اند. مردم ایران همچنان در مقابل چرخه خشونت حکومتی مقاومت می کنند و شرایط سریعتر از گذشته به موقعیت انقلاب ناگزیر نزدیک می شود.

حکومت نیز غرق در فساد و ناکارائی، ناتوان از ادامہ اقتدار جهنمی و دستخوش بحرانهای بنیادی، به بن بست رسیده است.

حکومت اسلامی یگانه خالق آشوب در کشور ما و نیز در منطقه است، این حکومت در پادگانها و پایگاههای نظامی و شبه نظامی، مزدوران وابسته به خود و نیروهای خارجی مثل حزب الله و حشد شعبی، فاطمیون پاکستان و حوثیهای یمن، شیعیان ولایی عربستان سعودی و بحرین، و حتی گروههای سنی شبه القاعده و طالبان، و افراط گرایان کشورهای آفریقایی را زیر نظر کارشناسان حرفه ای که در خدمت دارد، آموزش می دهد و از آنها برای نفوذ در "شورشها" و ایجاد بلوا و سرکوب خشن استفاده می کند.

شواهد قانع کننده و غیرقابل انکاری وجود دارد که می تواند در هر دادگاه مستقل رسمی و مردمی، بویژه در سطح بین المللی ارائه شود. گروههای مخالف رژیم ایران باید فکر برپائی کمپینهای محلی و بین المللی و تلاش برای تشکیل نهادهای مستقل کشف حقیقت باشند، به ویژه که رژیم از طریق مراجع قضایی و امنیتی خود به دروغ ادعا می کند که در جریان اعتراضات کسانی را به هنگام آتش زدن مراکز دولتی و در حین انجام "عملیات تخریبی" و ارتکاب "جرم" همراه با ابزارهای لازم، دستگیر کرده است و به زودی به مجازات سخت خواهد رساند. یک مقام قضایی هم ادعا کرده است که آنها به جرم خود "اعتراف کرده اند".

درست در چنین شرایطی است که دیدبانی هشیارانه و مسئولانه با رویدادهای مردمی و نقشه های حاکمیت ضرورت دارد. مبارزه با نشر اخبار جعلی (فیک نیوز) و خبرسازیهایی حتی در قالب ظاهری دفاع کلی از جنبش بویژه در رسانه های اپوزیسیون حکومت (با هر درجه از خلوص که باشد) وظیفه ای خطیر است.

توجه به نمونه ترکیب و جمله بندیهای متناقض یکی از نشریات اینترنتی اپوزیسیون به نام "به پیش"، ارگان "حزب چپ ایران (فدائیان خلق)" شاید درس آموز باشد.

به جملات زیر، در گزارشی با عنوان پر طمطراق "جنگ خیابانی، تجربه جدید مردم" توجه کنید: (<https://bepish.org/node/2807>):

»

.....

خطر بسیار جدی است. رژیم در تدارک کشتار گستردۀ جدیدی بویژه در حق دستگیرشدگان است. عاملان و آمران سرکوب و کشتار مردم که از هیبت امواج کوبندۀ اعتراضات مردمی سرگیجه گرفته اند در نهایت دستپاچگی از خیزش کنونی به عنوان "جنگ بزرگ جهانی" یاد می کنند و آنرا به خارج از کشور، طرفداران نظام پیشین یا مجاهدین و "فروغ جاویدان" نسبت داده و خشونت جهنمی خود را تحت عنوان "مرصاد 2" به رخ معترضان می کشند.

مردم و نیروهای آزادیخواه و نیز افکار عمومی بین المللی فراموش نکرده اند که در حکومت فعلی ایران، با دست زدن به کشتارها و اقدامات فاشیستی و سرکوبگرانه، از همان نخستین ماههای به قدرت رسیدنش چه آشوبهایی را در مناطق مختلف کشور که نوع دیگری از زندگی و حکومت را می خواستند برپا کرد. داستان توطئه ها علیه شوراهای مردمی در سنندج کردستان و گنبدِ ترکمن صحرا، تبریزِ آذربایجان، محمّرِ خوزستان و... فراموش نمی کنند. مردم نمونۀ هولناک پوشیده نگه داشته شدۀ قتل عام زندانیان سیاسی در سال 67 را فراموش نکرده اند و این را هم که چگونه از طریق قطع کامل ملاقات زندانیان با خارج از زندان و قرار دادن مردم ایران در بیخبری از فرزندان خود، طی نزدیک به سه ماه هزاران تن از شریف ترین فرزندان سرزمین ما را به جوخۀ اعدام سپرد.

کیست که فراموش کند، در سال 88 چه بر سر مردم آمد. جرم میلیونها معترضی که در مسالمت جویانه ترین شکل ممکن، مطالبۀ آرای دزدیده شدۀ خود در انتخابات کذائی آن سال را در خیابانها فریاد می زدند و سرکوب شدند، چه بود.

شواهدی بسیار از موارد تاریخی دست داشتن حکومت در ایجاد آشوب و نسبت دادن آن به مردم وجود دارد. اکنون این راز توسط برخی از ارگانهای دولتی و در جریان تصفیه حسابهای جناحی خود برملا شده است. (*) این رازها همچنین براساس اعترافات برخی از دست اندرکاران سابق که یا خود حکومت را ترک کرده اند و یا به دلایل مختلف از حاکمیت به بیرون پرتاب شده اند، روشن شده است، شهادتهایی که در دفاتر نهادهای مختلف حقوق بشری و دادگاههای رسیدگی به اعمال جمهوری اسلامی ثبت شده است.

اما اگر مثلاً فرض کنیم شخصی عصبانی یا کسی از بین مردم از این نوع اعمال خودجوش انگیزه می گیرد، فکر می کنم که سؤال از این طریق و توجیه اخلاقی برای فقدان "شواهد" عینی، و بخصوص وقتی که

قاتلان مردم در مقام قوای قضائیه دست اندر کار بازتولید مدارکی برای توجیه جنایات خود هستند، (هیجانی شدن) و دامن زدن به (فیک نیوز)، نه فقط به نفع جنبش نیست، بلکه سخت علیه آن است. مسئولیت اداره کنندگان یک نشریه اپوزیسیون وقتی گزارش وقایع را می خوانند و تحلیل ارائه می دهند و بر اساس این "گزارشات" و "شاهدعینی"ها و "شهروند خبرنگار"ها و "ارتباط ویژه"ها، رهنمود می دهند کجا رفته است.

درست است که ما تبعیدیان و مهاجران، به خاطر آنچه در خانه اتفاق می افتد حالتی نگران و عصبی داریم، اما، تجربه و دانشمان کجاست؟

من که این کلمات را می نویسم می گویم بله، انبوه مردم ما، کسانی که سفره های خالی خود را در خیابانهای کرج، مریوان، تهران، شیراز، آذربایجان، لرستان، کردستان و خوزستان به عنوان یک اقدام اعتراضی پهن می کنند، چندین دهه است که می دانند و هر روز با گوشت و پوست خود لمس می کنند که چگونه رژیم اقتدارگرای اسلامی نمایندگانی منافع تعداد محدودی از باندهای غارتگر جامعه است. آنها شنیده اند و درک می کنند که بیش از هفتاد درصد از سپرده های بانکی متعلق به تنها یک درصد از جامعه است، گردش نقدینه و پول انحصاراً در اختیار بخش ناچیزی از افراد جامعه قرار دارد. شرکتهای مضاربه ای و رباخواری اسلامی، خانه خرابشان کرده و به ورطه "مال باختگی" پرتابشان کرده است. آنها می دانند که این همه معنای ساده ای دارد. وحشیگری کامل و خشونت سازمان یافته حکومت اسلامی مدافع سرمایه داری.

امروز همه به این نتیجه رسیده اند که برای رهایی از این بردگی، باید این نظام ناپدید شود. البته مردم ستم دیده اما آگاه، وقتی مطالب حقوق خود می کنند و برای باز پس گرفتنش بپا می خیزند عزم آن دارند که رژیم را سرنگون کنند. چهل سال است در برابر سرکوب، هم التماس می کنند و هم مقاومت. اما نه التماسشان بجائی می رسد و نه مقاومتشان با دستهای خالی ثمری می دهد. پس حتی اگر مردم روزی - که بدلیل رفتار این رژیم - دیر نیست، خود را سازماندهی کنند و به دفاع مسلحانه برخیزند، بدون شک حق دارند که بخواهند دستگاه سرکوب را درهم بشکنند.

حکومت اسلامی ایران، هم در بازار کار و هم در بازارهای مالی و اینروزها بیش از پیش در خیابانهای زندان بزرگی بنام ایران، مردمان را بگونه ای وحشیانه اسیر تحریم خارجی از یکسو و از

دیگرسو زیر سرنیزه و سلطه نظامی که بنام دولت، قانون جنگل جاری کرده و بشکل انحصاری، قوه قهریه را قبضه کرده است قرار دارد. مردم این کشور غارت شده که زنجیر ارتجاع، استعمار و استبداد و استثمار، بر دست و پایش بسته شده است، حق رهایی دارند و تحقق این حق جز با برهم زدن این معادله ناعادلانه به دست نخواهد آمد.

بله، این یک جنگ طبقاتی است. انقلاب است

و "وای برملتی که انقلابی را شروع کند و آنرا به پایان نرساند".

(*)

مهدی محمودیان، روزنامه نگار در تویتر خود به نقل از یک شاهد عینی نوشت: "یک نفر باصورت پوشیده جسمی آتش را به داخل داروخانه‌ای واقع در شهر قدس می‌اندازد، مردم او را گرفته و داخل یک بنگاه املاک می‌برند. او یکی از اعضای ارشد یکی از نهادهای شبه نظامی محله بوده است. امروز او آزاد است و تقریباً همه کسانی که در آن بنگاه او رادیده و شناخته‌اند از دسترس خارج‌اند."

[mehdi mahmoudian](#)

[MahmoudianMe@](#)

یک نفر باصورت پوشیده جسمی آتش را به داخل داروخانه‌ای واقع در شهر قدس می‌اندازد، مردم او را گرفته و داخل یک بنگاه املاک می‌برند. او یکی از اعضای ارشد یکی از نهادهای شبه نظامی محله بوده است. امروز او آزاد است و تقریباً همه کسانی که در آن بنگاه او رادیده و شناخته‌اند از دسترس خارج‌اند

[۷'۸۱۴](#)

[۱۳۹۸ - ۵ آذر ۱۱:۴۵](#)

همبستگی با خیزش توده‌ای در ایران !



اطلاعیه‌ی سندیکاهای کارگران و معلمان فرانسوی در همبستگی با جنبش آبان 98 در ایران

ده‌ها هزار ایرانی از روز ۱۵ نوامبر به خیابان‌ها آمده‌اند. آن‌ها، پس از افزایش سیصد درصدی بهای بنزین توسط رژیم، علیه آن تظاهرات کردند. این افزایش با خود گرانی شدید تمام قیمت‌ها را به همراه خواهد داشت. در طی سال گذشته ارزش پول ایران را چندین بار کاهش داده‌اند. قدرت خرید مردم به شدت کاهش یافته است.

از تاریخ ۱۶ نوامبر مردم ایران به واسطه قطع دسترسی به اینترنت از جهان منزوی شده‌اند. بهمین خاطر اطلاعات در دسترس از ایران بسیار محدود شده‌اند. رژیم تهران بدین وسیله می‌کوشد تا دامنه اعتراضاتی را که در کشور می‌جوشد، پنهان کند.

بنا به گزارش "عفو بین الملل"، سرکوب بی‌امان رژیم علیه تظاهرکنندگان، در بیش از ۲۰ شهر تعداد ۱۴۳ نفر کشته برجا گذاشته، ۴۰ نفر در استان خوزستان (اکثریت عرب‌نشین)، ۳۴ نفر در استان کرمانشاه (اکثریت کرد‌نشین)، و ۲۰ نفر در استان تهران.

بیشتر قربانیان جوانان زن و مرد کارگر هستند . بسیاری از این قربانیان با گلوله نیروهای انتظامی از ناحیه سر یا قفسه سینه مورد اصابت واقع شدند. هزاران تن دستگیر شده اند. این ارقام به سرعت افزایش می یابند .

حکومت در برابر خواسته های به حق اقتصادی و سیاسی مطرح شده چنگ و دندان نشان می دهد. حکومت تهدید به در خون خفه کردن این خیزش کرده است. جنبش اعتراضی زنان علیه حجاب هم سرکوب شد.

امروزه بیش از گذشته، زمان همبستگی با مبارزاتی است که از سال ها پیش در ایران جریان دارند :

- علیه زندگی گران ، بیکاری و فساد
- برای آزادی بیان و تشکل
- برای حقوق زنان، از جمله لغو پوشش اجباری اسلامی
- برای لغو حکم اعدام (که امروز برای مخالفان سیاسی و همجنسگرایان اعمال می شود)
- برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی
- برای آزادی تشکیلات مستقل اتحادیه ای و آزادی فعالان کارگری زندانی.

پاریس ۲۶ نوامبر ۲۰۱۹

سندیکاهای فرانسوی عضو کلکتیو حمایت از کارگران ایران :

- | | | | | |
|---|---|-----|------------|-----------|
| ت | د | ا ف | CGT | س ژ ت |
| | | | | س |
| | | | | CFDT |
| | | | FSU | ا ف اس او |
| | | | SOLIDAIRES | سولیدر |
| | | | UNSA | اونسا |

[اطلاعیه به زبان فرانسه](#)

همبستگی بین المللی با مردم مبارز ایران



یک بار دیگر رژیم ایران مردم این کشور را که برای آزادی و عدالت گرد هم آمده، تظاهرات و مبارزه می کنند، به طرز وحشیانه ای سرکوب می کند افزایش ۳۰٪ قیمت بنزین و پیاآمدهای این افزایش روی قیمت سایر تولیدات، عامل این اعتراضات بوده است بدین خاطر است که از ۱۵ نوامبر ایرانیان زن و مرد به خیابان ها ریخته اند.

این جنبش علیه تشدید فقر و برای آزادی در ادامه همان جنبش زنان و مردان مبارزی است که در طی سال ها، برای سندیکالیزم در ایران مبارزه می کنند، که دفاع از زنان و مردان کارگر را سازمان می دهند. کسانی که با اخراج شدن از کار، با مورد ایداء و آزار واقع شدن، با دستگیر شدن، با شکنجه شدن و حتی با جان باختن دائما بهایش را هم می پردازند جنبش اخیر هم چنین در تداوم جنبش زنان در ماه مه ۲۰۱۷ هم است.

از همان شروع جنبش مردمی حکومت تلاش کرد تا ارتباط ایرانیان با دنیا را قطع کند رژیم می خواهد مانع همبستگی بین المللی شود و سرکوب خونین را از انظار دنیا مخفی نگهدارد: بیش از صد کشته در بیست شهر؛ مجروحین بسیار در اصابت گلوله نیروهای به اصطلاح «امنیتی» با توجه به قطع اینترنت توسط حکومت پوشش خبری بسیار ناقص است.

سازمان های عضو « شبکه سندیکائی جهانی همبستگی و مبارزه » حمایت خود را از جنبش مردم ایران ، و از سندیکاهایی که سال ها مبارزه می کنند، اعلام می دارد.

اعتراضات زنان و مردان در ایران برای:

- مبارزه علیه گرانی معیشت و بیکاری،
- افشای فساد مالی،
- حق خودسازماندهی مستقل و ایجاد سندیکا،
- دفاع از حقوق زنان، از جمله لغو حجاب اجباری،
- آزادی کلیه زندانیان سیاسی از جمله فعالان سندیکائی،
- لغو مجازات اعدام (معمول عمدا در موارد دگرباشان و مخالفین سیاسی رژیم)

همه اعضای « شبکه سندیکائی جهانی همبستگی و مبارزه » در کشورهای خود وضعیت مردم ایران را به اطلاع عموم می رسانند : برای مبارزه علیه سانسور دولت ایران، و برای همبستگی مبرم بین المللی.

Les organisations membres du Réseau syndical international de solidarité et de lutte

Organisations syndicales nationales interprofessionnelles

Central Sindical e Popular Conlutas (CSP-Conlutas) – ▪

Brésil

Confederación General del Trabajo (CGT) – Etat ▪

espagnol

Union syndicale Solidaires (Solidaires) – France ▪

Confédération Générale du Travail du Burkina (CGT-B) – ▪

Burkina

Confederation of Indonesia People's Movement (**KPRI**) – ▪
Indonésie

Confederación Intersindical (**Intersindical**) – Etat ▪
espagnol

Confédération Générale Autonome des Travailleurs en ▪
Algérie (**CGATA**) – Algérie

Batay Ouvriye – Haïti ▪

Unione Sindacale Italiana (**USI**) – Italie ▪

**Confédération Nationale des Travailleurs – Solidarité ▪
Ouvrière (CNT SO) – France**

Sindicato de Comisiones de Base (**CO BAS**) – Etat ▪
espagnol

Organisation Générale Indépendante des Travailleurs et ▪
Travailleuses d'Haïti (**OGTHI**) – Haïti

Sindicato Intercategoriale Cobas (**SI COBAS**) – Italie ▪

Confédération Nationale du Travail (CNT-f) – France ▪

Intersindical Alternativa de Catalunya (IAC) – ▪

Catalogne

Union Générale des Travailleurs Sahraouis (**UGTSARIO**) – ▪
Sahara occidental

Ezker Sindikalaren Konbergentzia (**ESK**) – **Pays basque ▪**

Confédération Nationale de Travailleurs du Sénégal ▪

Forces du Changement (**CNTS/FC**) – Sénégal

Sindicato Autorganizzato Lavorator COBAS (**SIAL-COBAS**) ▪
– Italie

General Federation of Independent Unions (**GFIU**) – ▪
Palestine

Confederación de la Clase Trabajadora (**CCT**) – Paraguay ▪
Red Solidaria de Trabajadores – Pérou ▪

Union Syndicale Progressiste des Travailleurs du Niger ▪
(**USPT**) – Niger

Union Nationale des Syndicats Autonomes du Sénégal ▪
(**UNSAS**) – Sénégal

Unión Nacional para la Defensa de la Clase Trabajadora ▪
(**UNT**) – El Salvador

Solidaridad Obrera (**SO**) – Etat espagnol ▪
Confederazione Unitaria di Base (**CUB**) – Italie ▪
[Independent Workers Union of Great Britain](#) (**IWGB**) – ▪
Grande-Bretagne
Ogólnopolski Związek Zawodowy Inicjatywa Pracownicza ▪
(**OZZ IP**) – Pologne
Centrale Démocratique des Travailleurs de Martinique ▪
(**CDMT**) – Martinique
[Associazione Diritti Lavoratori](#) Cobas (**ADL COBAS**) – ▪
Italie

Organisations syndicales nationales professionnelles

National Union of Rail, Maritime and Transport Workers ▪
(**RMT/TUC**) – Grande-Bretagne
Centrale Nationale des Employés – Confédération ▪
Syndicale Chrétienne (**CNE/CSC**) – Belgique
Sindicato Nacional de Trabajadores del Sistema ▪
Agroalimentario (**SINALTRAINAL/CUT**) – Colombie
Trade Union in Ethnodata – Trade Union of Employees in ▪
the Outsourcing Companies in the financial sector –
Grèce
Syndicat national des travailleurs des services de la ▪
santé humaine (**SYNTRASEH**) – Bénin
Sindicat dos Trabalhadores da Fiocruz (**ASFOC-SN**) – ▪
Brésil
Organizzazione Sindacati Autonomi e di Base Ferrovie ▪
(**ORSA Ferrovie**) – Italie
Union Nationale des Normaliens d'Haïti (**UNNOH**) – Haïti ▪
Confederazione Unitaria di Base Scuola Università ▪
Ricerca (**CUB SUR**) – Italie
Coordinamento Autorganizzato Trasporti (**CAT**) – Italie ▪
Syndicat des travailleurs du rail – Centrale ▪
Démocratique des Travailleurs du Mali (**SYTRAIL/CDTM**) –
Mali
Gıda Sanayii İşçileri Sendikası – Devrimci İşçi ▪
Sendikaları Konfederasyonu (**GIDA-IŞ/DISK**) – Turquie

Syndicat National des Travailleurs du Petit Train ▪
Bleu/SA (**SNTPTB**) – Sénégal

Asociación Nacional de Funcionarios Administrativos de ▪
la Caja de Seguro Social (**ANFACSS**) – Panama

Palestinian Postal Service Workers Union (**PPSWU**) – ▪
Palestine

Union Syndicale Etudiante (**USE**) – Belgique ▪

Sindicato dos Trabalhadores de Call Center (**STCC**) – ▪
Portugal

Sindicato Unitario de Trabajadores Petroleros ▪
(**Sinutapetrogas**) – Venezuela

Alianza de Trabajadores de la Salud y Empleados ▪
Publicos – Mexique

Canadian Union of Postal Workers / Syndicat des ▪
travailleurs et travailleuses des postes (**CUPW-STTP**) –
Canada

Syndicat Autonome des Postiers (**SAP**) – Suisse ▪

Federación nacional de trabajadores de la educación ▪
(**SUTE-Chili**) – Chili

Plateforme Nationale des organisations ▪
professionnelles du secteur public – Côte d’Ivoire

Fédération nationale des ouvriers et collectivités ▪
locales – Union Marocaine du Travail (**UMT-**
Collectivités locales) – Maroc

Centrale Générale des Services Publics FGTB, Cheminots ▪
(**CGSP/FGTB Cheminots**) – Belgique

Botswana Public Employees Union (**BOPEU**) – Botswana ▪

Organisation Démocratique du Travail – Organisation ▪
Démocratique du Travail (**ODR/ODT**) – Maroc

Federacao Nacional dos Ttrabalhadores em Transportes ▪
Aéros do Brasil (**FNTTA**) – Brésil

[Federação Nacional dos Metroviários](#) (**FENAMETRO**) – ▪
Brésil

Namibia Football Players Union (**NAFPU**) – Namibie ▪

Palestinian Electricians’ Trade Union (**PETU**) – ▪
Palestine

Missão Pública Organizada – Portugal ▪

Organisations syndicales internationales

Industrial Workers of the World – International ▪
(Solidarity Commission (IWW

Courants, tendances ou réseaux syndicaux

Transnationals Information Exchange Germany (**TIE ▪
Germany**) – Allemagne

Emancipation tendance intersyndicale (**Emancipation**) – ▪
France

Globalization Monitor (**GM**) – Hong Kong ▪

Courant Syndicaliste Révolutionnaire (**CSR**) – France ▪

Fronte di lotta No Austerity – Italie ▪

Solidarité Socialiste avec les Travailleurs en Iran ▪
(**SSTI**) – France

Basis Initiative Solidarität (**BASO**) – Allemagne ▪

LabourNet Germany – Allemagne ▪

Resistenza Operaia – operai Fiat-Irisbus – Italie ▪

Workers Solidarity Action Network (WSAN) – Etats-Unis ▪

United Voices of the World (UVW) – Grande-Bretagne ▪

Unidos pra Lutar – Brésil ▪

Corriente Político Social Sindical 1° de Mayo de Buenos ▪
Aires – Argentine

Coordinamento Nazionale Unitario Pensionati di oggi e di ▪
domani (**CONUP**) – Italie

National Association of Human Rights Defenders – ▪
Palestine

Red de Trabajadores – Argentine ▪